

رد انتساب قصیده الهی به سنایی

یزدان زکالوند*، رضا خبازها

۱- دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

سال نوزدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۱۹، صص ۷۴-۵۷

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8082>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: یکی از آزمون‌هایی که اغلب مصححان با آنها روبرو هستند تمییز سروده‌های اصلی شاعران از اشعار مجعول و منسوب موجود در نسخه‌های خطی دیوانهاست. یکی از آثاری که این قبیل منسوبات از رهگذر نسخ خطی متأخر به آنها راه یافته است دیوان سنایی غزنوی، شاعر و عارف قرن ششم، است. این پژوهش، ضمن اشاره مختصری به تحقیقات پژوهشگران این حوزه، به معرفی قصیده‌ای با تخلص الهی میپردازد و با استناد به دلایل سبک‌شناسانه و نسخه‌شناختی، صحت انتساب این قصیده را -که تخلصش را هم از سنایی دانسته‌اند و در همه چاپهای دیوان او آمده است- به سنایی غزنوی رد میکند.

روشها: پژوهش پیش روی مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی است که بر نسخه‌شناسی و سبک‌شناسی تکیه دارد. با بررسی اعتبار تنها نسخه خطی قصیده «اگر ذاتی تواند بود کز هستی توان دارد...» (نسخه کتابخانه ملی ملک)، رفتار مصححان چاپهای گوناگون دیوان با آن و بررسی وجوه سبکی گوناگون این سروده (از تخلص و قافیه و زبان شعر تا سبک محتوایی و اختلافاتش با زندگینامه و سایر آثار سنایی)، آشکار خواهد شد که ممکن است این قصیده از او باشد یا خیر.

یافته‌ها: هم نسخه این قصیده ضعیف و تاریخش مجعول است و هم سبک خود شعر (اختلاف تخلص این قصیده با سایر اشعار سنایی، همچنین عیوب متعدد قافیه‌ای و زبانی و بیت‌های سست و بیمعنا و محتوای قصیده که با زندگینامه و سروده‌های دیگر سنایی متناسب نیست) با اشعار سنایی تفاوت بسیار دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به فراین نسخه‌شناسانه و سبک‌شناسانه یادشده، قطعاً این شعر ضعیف و متفاوت از او نیست و قرار گرفتن آن در بین قصاید سنایی اشتباه بوده و اطلاعات اشتباهی را درباره او به دست داده است، بلکه متعلق به یکی از شاعران الهی‌نام‌قرنها پس از اوست.

تاریخ دریافت: ۱۹ مهر ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۲۱ آبان ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۰۶ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۰ دی ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

سنایی غزنوی، تخلص الهی، دیوان، تصحیح متن، اشعار منسوب و مجعول

* نویسنده مسئول:

yazdan.zekalvand@ut.ac.ir

☎ (۰۲۱ ۹۸۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Refutation of the Attribution of the Poem Ilāhī to Sanā'ī Qaznavī

Y. Zakalvand*, R. Khabazha

1-student of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

2- Ph.d Graduate of Persian Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 11 October 2025

Reviewed: 12 November 2025

Revised: 27 November 2025

Accepted: 10 January 2026

KEYWORDS

Sanā'ī Ghaznavī, the pen name "Ilāhī", critical editing, textual criticism, apocryphal and misattributed poems

*Corresponding Author

[✉ yazdan.zekalvand@ut.ac.ir](mailto:yazdan.zekalvand@ut.ac.ir)

(+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the tests most frequently faced by editors is distinguishing authentic poems by poets from spurious and falsely attributed poems found in manuscript copies. One such work that has been attributed to them in later manuscript traditions is a qaṣīda attributed to Sanā'ī of Ghazna, the poet and mystic of the sixth century AH. While briefly referring to previous research in this field, the present study introduces a qaṣīda with a divine takhalluṣ and, based on stylistic and codicological evidence, rejects the correctness of attributing this poem—which itself bears a takhalluṣ different from Sanā'ī's and appears in all printed editions of his Dīvān—to Sanā'ī of Ghazna.

METHODOLOGY: This study is a descriptive–analytical investigation grounded in codicology and stylistics. By examining the sole extant manuscript copy of the qaṣīda (if it can indeed be considered an independent work; the National Library of Iran manuscript) and the approaches adopted by editors in various printed editions of Sanā'ī's Dīvān, and by analyzing the poem's diverse stylistic features—from takhalluṣ, rhyme, and poetic language to thematic style and its inconsistencies with Sanā'ī's worldview and other works—it will become clear whether this qaṣīda can plausibly be attributed to him or not.

FINDINGS: All versions of this qaṣīda are weak, of unknown date, and inconsistent with Sanā'ī's own poetic style (including differences in takhalluṣ). Moreover, it contains numerous prosodic and linguistic flaws and meaningless verses, and its content is incompatible with Sanā'ī's worldview and his other poems, showing significant divergence from Sanā'ī's authentic works.

CONCLUSION: Based on codicological and stylistic evidence, this poem is certainly weak and cannot be attributed to Sanā'ī. Its inclusion among Sanā'ī's qaṣīdas is erroneous and has led to incorrect information about him; rather, it belongs to one of the later divine poets who adopted the takhalluṣ "Qarnhā" after him.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8082>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 21	 0	 0

مقدمه

در طول تاریخ ادبیات فارسی، شاعران جریان ساز و صاحب سبک همواره مورد توجه دیگر سراینندگان بوده‌اند و اشعارشان سرمشق دیگران قرار گرفته است. اشعار تقلیدی فراوانی نیز به پیروی از شاعران شاخص و صاحب سبک در قرون متمادی پدید آمده و صرف نظر از اینکه پختگی و استحکام یا ضعف و سستی در فرم و محتوایشان مشهود است، گاهی در اثر بیدقتی یا دخالت ذوق شخصی کاتبان به دیوان شاعران راه یافته و به نام آنان ثبت شده است (عابدی و بگ جانی، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

برخی از این اشعار مجعول و منسوب در فرم و محتوا شباهتی وافر با سایر اشعار موجود در متن دیوان داشته و این کار تشخیص آنها را دشوار و گاه ناممکن ساخته است و برخی هم چنین نبوده‌اند، اما هنوز در تصحیح‌های تازه نیز دیده میشوند.

یکی از ضروریاتی که برای تصحیح‌های جدید دیوان سنایی باید در نظر گرفته شود ترتیب دادن بخشی مرتب و مجزاست که اشعار مشکوک، مجعول، منسوب و سروده‌های شناخته شده دیگران را از اشعار اصلی وی جدا کند تا با استناد به سروده‌های خود سنایی بتوان به شناخت دقیق تری از منظومه فکری و سبک شعری او دست یافت. در دهه‌های اخیر به یاری پیشرفته‌های حاصل شده در مطالعات سبک‌شناسانه و همچنین کشف دستنویس‌های کهن، بسیاری از سدها و موانع پیش روی مصححان برداشته شده و راه برای تصحیح انتقادی دیوانها هموار شده است. از جمله دیوانهایی که مصححان از گذشته به تصحیحشان اهتمام ورزیده‌اند *دیوان سنایی غزنوی*، شاعر و عارف سده پنجم و اوایل سده ششم هجری، است.

کار تصحیح انتقادی *دیوان سنایی* را نخستین بار محمدتقی مدرس رضوی به سرانجام رساند (۱۳۲۰) و پس از آن مظاهر مصفا بار دیگر این دیوان را تصحیح و چاپ کرد (۱۳۳۶). جدیدترین تصحیح دیوان سنایی نیز به کوشش محمدرضا برزگر خالقی با مقابله دوازده نسخه خطی کهن و متأخر صورت گرفت (۱۳۹۳). این اثر به سبب بهره‌گیری از نسخ خطی کهن‌تر، ارائه کامل نسخه‌بدلها و روشمندتر بودنش پیشرفت قابل توجهی در تصحیح *دیوان سنایی* بود. یدالله جلالی پندری نیز تصحیح انتقادی روشمندی از غزل‌های سنایی ترتیب داد که بر اساس شش نسخه خطی کهن دیوان اوست (۱۳۸۶) و جا داشت درباره سایر قوالب دیوان نیز ادامه یابد. باری با تمام کوششهایی که مصححان در جهت جلوگیری از ورود اشعار مجعول و منسوب به دیوانهای مصحح خود کرده‌اند، به سبب وجود برخی محدودیتهای نسخه‌شناسانه همچون محدود بودن تعداد نسخ کهن و متأخر بودن اغلب دستنویس‌ها یا جعلی بودن آنها، اشعاری مجعول و منسوب در قوالب گوناگون به *دیوان سنایی* راه یافته است.

در این پژوهش پس از شرح مختصری از تحقیقات و تتبعات پژوهشگران در معرفی این دست اشعار مجعول و الحاقی، قصیده منسوب دیگری را که در اغلب طبع‌های معتبر دیوان سنایی بازتاب پیدا کرده است معرفی و با استناد به دلایل نسخه‌شناسی و سبک‌شناسی انتساب آن را به سنایی غزنوی رد میکنیم.

در این بررسی، بیت‌های سنایی نخست از چاپ دوم تصحیح برزگر خالقی (۱۴۰۱) نقل میشوند و به آن ارجاع میدهیم که منقحترین ضبط‌های موجود را در بر دارد و تکلیف نسخه‌بدل‌هایش روشنتر است، چون بحثمان درباره ضبطشان در تنها نسخه‌ای است که قصیده را داشته است. سپس نشانی آن در تصحیح مدرس رضوی (۱۳۸۸)، که چاپ اولش که هنوز بسیار رایجتر است می‌آید و اگر مدرس با آن اختلافی داشته باشند بیان و بررسی خواهد شد. از تصحیح مصفا انتظار میرفت برخی مشکلات این قصیده مشکلدار را با دقت بیشتر در نسخه یا حتی تصحیح قیاسی حل کند، اما تقریباً هیچ تفاوتی با کار مدرس ندارد و به ضبطش در چند موضع لازمتر تصریح خواهد شد.

پس هر جا از سبک و مشکلات بیتی سخن به میان می‌آید، به هر سه تصحیح و نسخه‌بدلها توجه و اختلافات بیان شده است.

پیشینه پژوهش

پیشینه معرفی اشعار مجعول و منسوب سنایی

پژوهشگران موارد متعددی از قصاید، غزلیات و قطعات الحاقی و مجعول دیوان سنایی را معرفی و کاستیها و خطاهایی را که در تصحیح این دیوان صورت گرفته است خاطر نشان کرده‌اند. از اهم تحقیقات در این حوزه میتوان به این موارد اشاره کرد: مدرس رضوی در مقدمه *دیوان سنایی* به احتمال وجود این قبیل اشعار اشاره کرده است: «دور نیست که بعضی از قصاید و غزلیات این دیوان نیز از آن دیگران باشد؛ چنانکه بعضی اشعار آن در دیوان شعرای دیگر نیز آمده و بعضی از قطعات و رباعیات و غزلیاتی که به سنایی نسبت داده شده به معزی و انوری و جمال‌الدین عبدالرزاق هم نسبت داده شده است و گاهی از نظر اسلوب و سبک چنان با اشعار سنایی شبیه است که تمیز آن مشکل است و نمیتوان آن را جز به وسیله نسخ معتمد تشخیص و تمیز داد» (سنایی، ۱۳۸۸: صد و چهل و شش). همچنین وی در حاشیه برخی صفحات، علاوه بر ذکر نسخه‌بدلها، به انتساب برخی قصاید و قطعات به دیگر شاعران نیز اشاره میکند. به عنوان نمونه از انتساب برخی از قصاید این دیوان به عبدالواسع جبلی و سید حسن غزنوی در نسخ اشعار آنها سخن میگوید (همان: ۴۸ و ۸۵) و در حاشیه یکی از صفحات بیان میکند که قطعه‌ای در یکی از نسخه‌های خطی لغت فرس اسدی طوسی به نام مجلّدی و در دیگر نسخ به نام عنصری ضبط شده است (همان: ۱۰۵۲).

در تصحیح مظاهر مصفا دو بخش جداگانه در انتهای کتاب با عناوین «فهرست شعرهای مشکوک در دیوان سنایی» و «فهرست شعرهای دیگران در دیوان سنایی» ترتیب داده شده است و مصحح در آن چهار قصیده، دو غزل و پنج قطعه مشکوک را برشمرده است (سنایی، ۱۳۳۶: ۸۷۴).

جلالی پندری نیز در قالب یک مقاله از وجود ۲۷ قصیده و غزل در دیوان سنایی خبر داده که در هیچکدام از نسخ خطی کهن و معتبر نیامده و تعداد ۶۴ قصیده و غزل که فقط در نسخه متأخر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (مورخ ۱۰۰۳) آمده و همچنین ۱۷ قصیده و غزل که در دیوانهای عبدالواسع جبلی و سید حسن غزنوی و امیر معزی به نام آنها ثبت شده است (جلالی پندری، ۱۳۸۱: ۲۵ و ۲۶).

عابدی و بگجانی نیز در مقاله‌ای مشترک با ذکر دلایل و شواهد سبک‌شناسانه و نسخه‌شناسانه انتساب قصیده‌ای به سنایی غزنوی را رد و صاحب اصلی آن را سید حسن غزنوی، شاعر همعصر او، معرفی کرده‌اند (عابدی و بگجانی، ۱۳۹۴).

پیشینه بررسی قصیده مورد نظر و اعتبار انتساب آن

این قصیده در طبع مدرس رضوی (سنایی: ۱۳۸۸: ۱۱۲) و پس از آن در تصحیح مصفا (سنایی، ۱۳۳۶: ۶۵) و برزگر خالقی با اختلافاتی جزئی در ضبط برخی ابیات (برزگر خالقی، ۱۴۰۱: ۸۲) منتشر شده و در هیچیک از این چاپها اشاره‌ای به مشکوک بودن انتساب آن نشده است.

در مقدمه دیوان مصفا بخشی تحت عنوان «نخستین شعر سنایی» آمده که در آن همین قصیده نخستین شعر سنایی معرفی شده است: «در دیوان سنایی قصیده‌ای است که سنایی آن را نخستین شعر خود دانسته است» (مصفا، ۱۳۳۶: صد و نود و نه). توضیحاتی که مصحح برای این امر ذکر کرده است تنها بر متن همین شعر تکیه

دارد. وی تنها بر اساس نسخه‌های متأخری که در دست داشته پذیرفته که این سروده از سنایی است و بر اساس آن درباره زندگی و شعر او به نتایجی رسیده است. اما تطبیق این قصیده با زندگی، اندیشه و سبک سرایندگی سنایی نشان می‌دهد ممکن نیست چنین سروده‌ای از او باشد و نباید پایه شناخت او و سبک و افکارش قرار گیرد. مصحح در دیگر قسمت‌های مقدمه نیز ابیاتی از این قصیده منسوب را به عنوان شاهد حرف خود ذکر کرده است (همان، چهل و صد و نود و هفت و دوپست و یک).

برات زنجانی نیز در گزیده‌ای که از دیوان سنایی فراهم آورده، علاوه بر اینکه در مقدمه همچون مصفا ابیاتی از این قصیده را شاهد توضیحات خود ساخته، در متن گزیده‌اش نیز از برخی ابیات آن بهره برده است (برات زنجانی، ۱۳۶۴: ۱۷ و ۵۲).

یافته‌های پژوهش

معرفی قصیده

این قصیده دارای ۵۱ بیت در بحر هزج مثنی سالم است با قوافی «روان»، «نشان»، «چنان»، «گران» و... با ردیف فعلی «دارد» به این مطلع (سنایی، ۱۴۰۱: ۸۲/۱؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۱۲-البته با ضبط نامناسب «هستی» به جای «سستی»):

اگر ذاتی تواند بود کز سستی توان دارد / من آن ذاتم که او از نیستی جان و روان دارد

این قصیده به استناد شواهد و قراین سبکشناسی و نسخه‌شناسی که در ادامه خواهد آمد ممکن نیست از سنایی باشد و به احتمال بسیار باید متعلق به شاعری متأخر بین قرون نهم تا یازدهم باشد. همچنین با توجه به وزن و قوافی‌اش میتوان دریافت که سراینده‌اش تحت تأثیر یکی از قصاید عمیق بخارایی، شاعر قرن ششم، آن را سروده است (نک: عمیق، ۱۳۸۹: ۲۴۰).

علل رد انتساب قصیده

علل نسخه‌شناسانه

این قصیده در چاپ مدرس رضوی با عنوان «در انتساب خویش به عالم تجرید فرماید» آمده (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۲) و برای آن هیچ نسخه‌بدلی ذکر نشده است. مشخص نیست مدرس این شعر را از روی کدام نسخه خطی وارد دیوان کرده و با کدام نسخ خطی مقابله کرده است.

در زیر عنوان این سروده نشانی ستاره‌مانند آمده است. مدرس مینویسد: «و آنچه در فهرست نسخه م- ذکر آن شده و در اصل هم موجود است با ستاره در میان عدد و علامت باز نمود و آنچه فقط در فهرست ذکر شده و از اصل نسخه افتاده با خط فاصلی (-) در میان عدد و علامت نشان گذارد و آنچه در آن نسخه ذکر آن هیچ نشده و در نسخه‌های خطی دیگر و یا نسخه چاپی است به علامتی مخصوص نکرد» (سنایی، ۱۳۶۲: صد و چهل و چهار). بنابراین توضیحات مصحح، باید مطلع این قصیده در فهرست نسخه خطی کتابخانه ملی ملک نیز آمده باشد، اما چنین قصیده‌ای با این مطلع را در فهرست نسخه خطی کتابخانه ملک نمی‌بینیم و در اصل آن نسخه نیز وجود نداشته است.

همچنین در قصایدی که در زیر عنوان آنها علامت ستاره وجود دارد، در کنار علامت ستاره از حروف «ز»، «م»، «ق»، «غ» استفاده شده است که به ترتیب مخفف زهدیات، مدایح، قلندریات و غزلیات است. مدرس درباره این

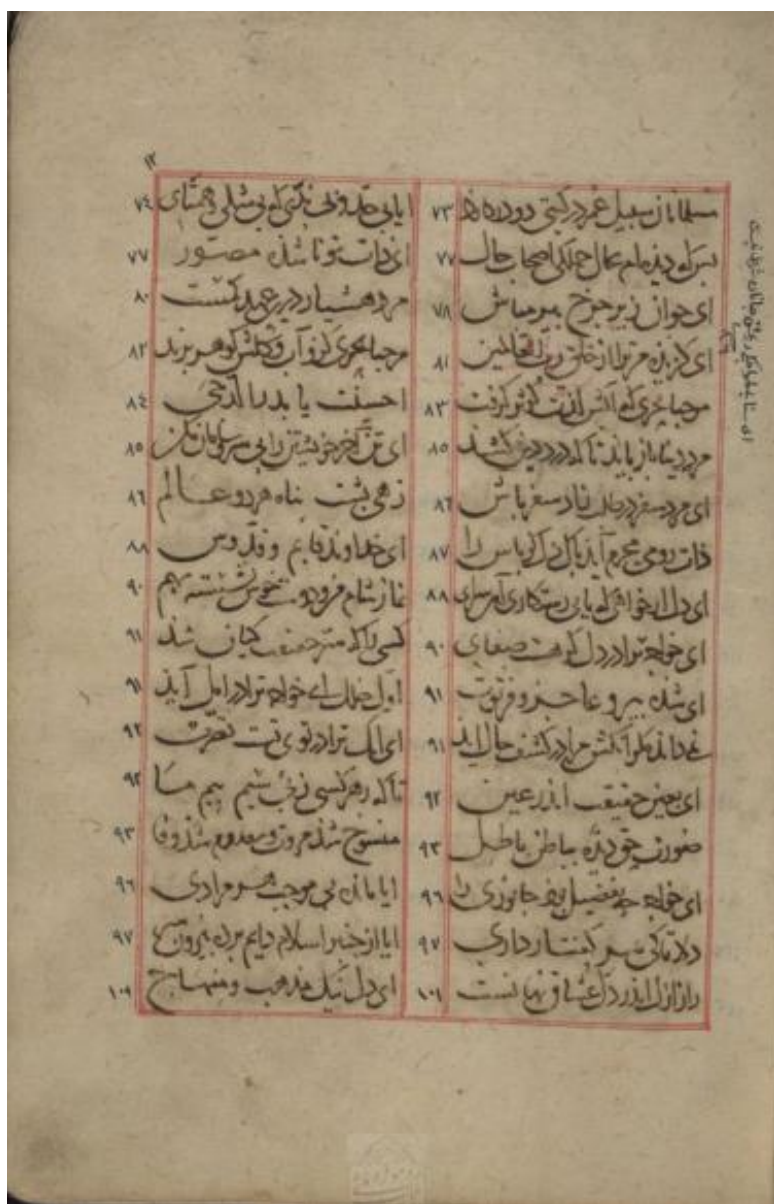
امر مینویسد: «ترتیب و تقسیم نسخه م- را تا اندازه‌ای در آن رعایت نموده و قصاید و زهدیات و مدایح و قلندریات و غزلیات را از هم جدا کرده، ترتیب الفبایی حروف اواخر قافیه را محفوظ دارد که پیدا کردن اشعار سهل باشد. چون این عمل هم متضمن مشکلاتی بود و جدا کردن همه دشوار مینمود، بهتر آن دانست که مدایح و زهدیات و قلندریات را که در آن نسخه از یکدیگر جدا ذکر شده در اینجا با هم بیاورد و فقط با علاماتی آنها را از هم امتیاز دهد» (سنایی، ۱۳۸۸: صد و چهل و چهار). در زیر هر عنوانی که این علامت ستاره‌مانند را -به نشانه وجود مطلع آن در فهرست نسخه کتابخانه ملی ملک- دارد باید یکی از حروف مذکور نیز باشد (نک: مدرس رضوی، ۱۳۸۸: ۱۶، ۱۹، ۲۴ و...) تا مشخص شود که در رده زهدیات یا مدایح یا غزلیات یا قلندریات نسخه کتابخانه ملی ملک است، اما در زیر عنوان این قصیده، در کنار آن علامت، هیچیک از حروف یادشده ذکر نشده است و این مسئله نیز میتواند دال بر این باشد که مصحح این قصیده را در نسخه خطی دیوان سنایی کتابخانه ملی ملک نیافته است تا حرفی را برای رده‌بندی آن مشخص کند، اما اینکه چرا وقتی که این شعر نه در فهرست نسخه یاد شده و نه در اصل نسخه آمده از علامت ستاره‌مانند بهره برده، خود پرسش دیگری است.

در تصحیح مصفا نیز برای این قصیده هیچ نسخه‌بدلی ارائه نشده و همچنین در بخش «فهرست شعرهای مشکوک در دیوان سنایی» یا «فهرست شعرهای دیگران در دیوان سنایی» اشاره‌ای به آن نشده است (مصفا، ۱۳۳۶: ۸۷۴ و ۸۷۶).

در جلد دوم *دیوان سنایی* تصحیح برزگر خالقی که مخصوص ذکر نسخه‌بدلهاست، در هفت نسخه کهن و متأخر -از جمله دستنویس موزه کابل- این قصیده نیامده (برزگر خالقی، ۱۴۰۱: ۱۱۹۸) و تنها نسخه‌ای که این قصیده در آن موجود بوده و مصحح آن را از آنجا وارد تصحیح خود کرده است دستنویس -د- یا همان دستنویس کمبریج است که بنا بر نظر نسخه‌شناسان و محققان از ارزش و اعتبار چندانی برخوردار نیست و دستنویسی ساختگی و مزور است (همایی، ۱۳۶۷: ۱۲-۱۹). پس این قصیده در هیچیک از نسخ خطی کهن نیامده است و احتمالاً در دوره‌های متأخر به نسخه‌های دیوان سنایی راه یافته باشد. فلذا پشتوانه نسخه‌شناسانه ندارد و این مسئله ظن ما را به نادرستی انتساب آن بیشتر میکند.



دستنویس دیوان سنایی، کتابخانه ملی ملک، به شماره ۵۴۶۸



علل سبک‌شناختی

بررسی سبک‌شناسانه در ادبیات طیف وسیعی از عناصر زبانی، ادبی و فکری را در بر می‌گیرد. در این پژوهش قصد ورود به دقیقترین ویژگیهای سبک‌شناسانه شعر سنایی را نداریم و به بیان چند ویژگی سبکی این قصیده که نشانگر رد انتساب آن به سنایی غزنوی است بسنده میکنیم.

تخلص

چنانکه مدرس رضوی مینویسد، «نام و کنیه و تخلص سنایی چنانکه تذکره‌نویسان آورده‌اند و خود او نیز در آثارش بدان تصریح کرده است ابوالمجد مجدود سنایی است» (سنایی، ۱۳۸۸: سی و یک). حکیم غزنه تخلصش را به

شکل‌های «مجدود سنایی» و «سنایی» در ابتدا یا اثنا یا انتهای بسیاری از قصاید و دیگر اشعارش می‌آورد:

کی نام کهن گردد مجدود سنایی را
نونو چو می‌آراید در وصف تو دیوانه
(سنایی، ۱/۱: ۱۴۰؛ ۴۰؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۸)

ای سنایی خواجه جانی غلام تن مباش
خاک را گر دوست بودی پاک را دشمن مباش
(سنایی، ۱/۱: ۱۴۰؛ ۲۱۱؛ همو، ۱۳۸۸: ۳۲۵)

جز تخلص‌های مذکور که در متن دیوان دیده می‌شود تخلص‌های دیگری نیز برای او ذکر شده است که پشتوانه قوی برایشان در اشعار او پیدا نمی‌شود. از جمله این تخلص‌ها می‌توان به «حسن» و «الهی» اشاره کرد. نسبت دادن تخلص «حسن» به سنایی را مدرس رضوی ناشی از برداشته‌های اشتباه دانسته (همو، ۱۳۸۸: سی و دو)، اما تخلص دیگری که مدرس رضوی برای سنایی ذکر کرده است «الهی» است به استناد این بیت (سنایی، ۱/۱: ۱۴۰؛ ۸۵):

«الهی» نام خود کردم بدو نسبت کنم خود را
اگر مر شاعری نسبت به بهمان و فلان دارد

بیت یادشده بیت سی و پنجم از همین قصیده‌ای است که این پژوهش به آن اختصاص دارد. سراینده قصیده تخلص خود را «الهی» ذکر کرده است. در هیچیک از قصاید و غزلیات و دیگر آثار منظوم و منثور سنایی کوچکترین اشاره‌ای بدین لقب نشده و حتی در تذکره‌ها نیز در بین لقب‌ها و کنیه‌های سنایی چنین لقبی ذکر نشده است. «بدو نسبت کنم خود را» هم ظاهراً یعنی خودم را به «اله» (خدا) منسوب می‌کنم و این وجه تسمیه‌ای است که سراینده در اولین سروده‌اش برای تخلص خود ذکر می‌کند.

در فرهنگ سخنوران نیز در ذیل مدخل «الهی» هیچ اشاره‌ای به سنایی غزنوی یا شاعری همعصر و نزدیک به دوران وی با این نام نشده است و در این فرهنگ، تمام الهیها (هجده نفر) متعلق به دورانهای متأخر خصوصاً قرون نهم تا یازدهم هستند (خیام‌پور، ۱۳۶۸: ۸۵-۸۶). پس این الهی با توجه به سبک این قصیده که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد و همچنین نبودنش در نسخه‌های کهن دیوان سنایی، بعید نیست که سراینده این قصیده نیز متعلق به دورانهای متأخر و یکی از همین اشخاص باشد.

این نکته نیز درباره این بیت یادکردنی است که در هر دو چاپ برزگر، برخلاف تصحیح‌های مدرس و مصفا، «اگر "مر" شاعری نسبت به بهمان و فلان دارد» آمده است، اما آن دو، به جای «مر»، «هر» ضبط کرده‌اند (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۵؛ همو، ۱۳۳۶: ۶۷). ظاهراً معتقد بوده‌اند «مر» بدون «را» به کار نمی‌رود، اما در لغت‌نامه می‌توان دید که پیش از نهاد -و حتی پیش از مفعول نیز- بدون «را» کاربرد داشته (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «مر») و همین ضبط غریبتر برزگر مرجح است.

عیوب قافیه

در دیوان سنایی غزنوی کمتر موردی پیش می‌آید که به ایراد وزن و قافیه برخورد کنیم. اصول وزن و قافیه از اولین الزاماتی بوده است که شاعران چیره‌دست فارسی‌سرا می‌آموخته و رعایت می‌کرده‌اند و سنایی غزنوی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. یکی دیگر از نشانه‌هایی که باعث تردید ما در اصالت این قصیده می‌شود تکرار قافیۀ «آن» در بیت‌های پنجم و یازدهم است (سنایی، ۱/۱: ۱۴۰؛ ۸۳؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۱۲-۱۱۳):

- نگیرم جای هیچیز ار در آن کفّه نشینم من
- چه جای بی چگونگی چونکه فوق این است و این معنی
چو از هیچیز کم باشم گران کفّه از آن دارد
چه جای فوق و این معنی نه این دارد نه آن دارد

برای شمس قیس و بیشتر قدما آن قدر مردود بودن مطلق تکرار قافیه مسلّم و بدیهی مینموده است که اصلاً در کنار عیوب قافیه از آن یادی نکرده‌اند (نک: شمس قیس، ۱۳۶۰: ۲۸۳-۲۸۹). نخستین سخن دقیق و جامع را در این مورد از خواجه نصیرالدین طوسی - که تخصص اصلی‌اش منطق و فلسفه است و شعر برایش فرع بر آنهاست - در کتاب ارزشمند **معیار الاشعار** میخوانیم: «و قدما گفته‌اند تکرار قافیه در قطعه‌ها و غزلها بعد از هفت بیت و در قصاید بعد از چهارده بیت روا باشد» (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۳: ۷۰). واعظ کاشفی نیز همین را تکرار میکند (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۹۱)، البته برخی بدون هیچ مأخذی مینویسند: «در قصیده نیز عقیده داشتند که باید بین قوافی مکرر حداقل هفت بیت فاصله باشد» (هاتفی، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۳)، اما در دیوان سنایی و دیگر دیوانهای قصیده همدوره او و پیش از آن ندیده‌ایم و دیگران هم دیوانی را نشان نداده‌اند که سراینده‌اش به خود اجازه داده باشد حتی بعد از چهارده بیت قافیه را مکرر کند، بلکه شاید یکی از انگیزه‌های تجدید مطلع و آوردن بیت مصرع در میانه قصیده (نک: شمس قیس، ۱۳۶۰: ۴۲۰؛ واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۷۶) نیز، علاوه بر تغییر موضوع، همین باشد که با این کار مجوز تکرار قافیه‌های قبلی را به دست بیاورند. همایی درباره آن مینویسد: «تکرار قافیه نیز در نو کردن مطلع چندان عیب نیست، به شرط اینکه حد نگاه داشته و از دو-سه قافیه تجاوز نکرده باشند، ولیکن تا ممکن است از آن نیز اجتناب کردن اولی است» (همایی، ۱۳۷۰: ۱۱۵). ملاحظه میکنید که در این موضع نیز تا چه اندازه تکرار قافیه را ناپسند دانسته‌اند.

ضمناً در بیت سوم (دو بیت پیش از «نگیرم هیچ چیز...») نیز چنین قافیه‌ای را میبینیم (سنایی، ۱۴۰۱/۱: ۸۳/۱؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۱۲):

وگر با نقطه وهمم کنی همبر بود او را هزاران حجت قاطع که ابعاد چنان دارد

و قافیۀ «چنان» نیز در بیت ۱۵ تکرار میشود (همو، ۱۴۰۱/۱: ۸۳/۱):

که داند تا چه چیزم من؟ که من باری نمیدانم

وگرچه نیک نندیشم که ذات من چنان دارد

در چاپ مدرس با قافیۀ «سان» آمده که آن هم شش بیت بالاتر قافیه شده است و باز از عیب تکرار خالی نیست (همو، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

همین‌طور در بیت ۲۹ (همو، ۱۴۰۱/۱: ۸۴/۱؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۱۵):

چگونه باشدی ار هیچ من میتانمی گفتن که هست از عشق او چونان که چونان را چنان دارد

قافیه کردن «چنان» با «آن» نیز دارای عیب ایطای جلی است؛ یعنی «جزء دوم کلمۀ مرکب در مقام قافیه تکرار شود و... تکرار جزء دوم کلمه نسبتاً آشکار باشد، مثل قافیه ساختن دانشمند-حاجتمند، ستمگر-فسونگر» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۴).

باری قافیه کردن «توان» را نیز در ابیات ۲۶ و ۳۲ (اینجا به شکل «ناتوان» و باز با ایطای جلی) میبینیم (سنایی، ۱۴۰۱: ۸۴-۸۵). مدرس بیت ۲۶ را برخلاف بیت ۳۲ (قافیۀ «ناتوان») با قافیۀ «نوان» آورده است - شاید برای اینکه ایراد قافیه برطرف شود- (همو، ۱۳۸۸: ۱۱۴-۱۱۵)، اما نسخه‌بدلهای بزرگ خالقی نشان میدهد نسخه همان «توان» را داشته (همو، ۱۴۰۱: ۱۱۹۸/۲) و مدرس رضوی تصحیح قیاسی کرده است (البته از نظر زبانی و معنایی هم بهتر شده است: چه چیز است اندرین دلها که دلها را نوان دارد؟).

همچنین «میان» را در بیت‌های ۳۴ و ۴۳ (سنایی، ۱۴۰۱: ۸۵-۸۶؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۱۵-۱۱۶). همچنین ابطای خفی (نک: شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۴؛ شمس قیس، ۱۳۶۰: ۲۸۷-۲۸۸) «نوان» (نالنده) در بیت ۴۲ با «روان» (رونده) در بیت ۴۸ (سنایی، ۱۴۰۱: ۸۵-۸۶):

دریغا آن سخنهایی که دانم گفت و نتوانم
وگر گویم از آن حرفی جهانی را نوان دارد
ز دریای محیط عقل، جیحون معانی را
سوی کشتی روحانی زبان من روان دارد

البته بیت ۴۲ را مدرس با «جهانی کی توان دارد» آورده است (همو، ۱۳۸۸: ۱۱۶ - برخلاف مصفا (همو، ۱۳۳۶: ۶۷) که این بار ضبطش مشابه برزگر است؛ یعنی استفاده از نسخه‌های خطی و چاپ سنگی دیگر موجب شده است این اشتباه مدرس را تصحیح کند)، ولی باز هم ابطای جلی (با «ناتوان») و تکرار قافیه است و از نظر زبانی هم سست است. زیرا با اینکه «توان» در لغت‌نامه مترادف «طاقت» دانسته شده، هیچ شاهی برای این نیامده است که به معنی «نیرو» نباشد و با «تحمل» یعنی «طاقت کشیدن سختی» یکی باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «توان»). پس شاعر باید این‌گونه می‌گفت: «جهانی کی تحمل/تاب شنیدنش را دارد».

بیت‌های سست و بیمعنا

این قصیده حاوی تعداد قابل توجهی بیت سست و ناتندرست و نامفهوم است که هم ادعای سراینده‌اش را مبنی بر اینکه نخستین شعر اوست تقویت میکند و هم امکان این را که از سنایی باشد، با توجه به اینکه دیگر چنین شعری از او سراغ نداریم، برطرف می‌سازد. هر سه مصحح قصیده کوشیده‌اند با انجام تصحیحات قیاسی پرشمار به برخی از این بیت‌ها صورت موجه و معنی‌داری ببخشند، اما در این راه چندان موفق نبوده‌اند. در اینجا برخی از این بیت‌ها را که سستی و بیمعنایی‌شان قطعیت و آشکارتر است با هم بررسی می‌کنیم.

نخست باید از بیت ۹ یاد شود که واژه «سانی» که در لغت‌نامه‌ها نیست در آن به اشتباه به معنی «چه‌سان بودن» به کار رفته است (سنایی، ۱۴۰۱/۱: ۸۳/۱؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۱۳):

فروشستم ز لوح خویش نقش چونی و سانی
ز بیچونی و بی‌سانی روانم چون و سان دارد
و باید گفت این واژه غیردستوری و مخالف قیاس صرفی است؛ یعنی «کلمه موافق قواعد لغت و دستور ساخته نشده باشد» (همای، ۱۳۷۰: ۱۱) و به همین جهت فصیح نیست. «چونی» از «چون» به معنی چگونه و پای سازنده اسم مصدر ساخته شده و معنی «چگونگی» میدهد و نمیشود این معنی را از «گونی» یا «گونه‌ای» اراده کرد. هر گاه «گونه‌ای» به معنی «چگونه بودن» داشته باشیم یا مصدرهای «رنگی»، «شکلی» و همانند این‌ها، میتوانیم «سانی» را هم بسازیم. سپس بیت ۱۵ جالب توجه است (سنایی، ۱۴۰۱/۱: ۸۳/۱):

که داند تا چه چیز من؟ که من باری نمیدانم
وگرچه نیک نندیشم که ذات من چنان دارد
مدرس و مصفا نیز این بیت را به همین شکل و فقط با «باری من» نقل کرده و «چنان» را به «چه‌سان» تصحیح قیاسی نموده‌اند (همو، ۱۳۸۸: ۱۱۳؛ همو، ۱۳۳۶: ۶۶؛ نک نسخه‌بدلهای برزگر: همو، ۱۴۰۱: ۱۱۹۸/۲) که برای اصلاحش کافی نیست. شاید صورت معنادار این‌گونه باشد: «وگرچه نیک "بندیشم" که ذات من "چه‌سان باشد"، اما ملاحظه میکنید که ردیف «دارد» اجازه نمیدهد شاعر بیت را چنین بسراید و «دارد» نیز معنای «باشد» نمیدهد. اگر مقصود «الهی» این معنا بوده باشد، زبانش در سرایش آن بسیار ناتوان و نارسا بوده است. همین‌طور ابیات ۱۶ تا ۱۸ (همو، ۱۴۰۱: ۸۳-۸۴):

نگنجم در سخن من پس کجا درگنجد آن کس کو
 چه دستی در مکان دارد به دستی در زمان دارد؟
 چو اندر بادبان من یکی ذره نمیگنجد
 چگونه کل موجودات را در بادبان دارد؟
 سخن را زاد تنگ آمد ننگنجد در سخن هرگز
 اگرچه در فراخی راه دریای عمان دارد

چه کسی/چیزی کل موجودات را در بادبان دارد؟ اگر نهاد حذف‌شدهٔ مصراع دوم میباید «بادبان من» میبود که البته در این صورت هم «بادبان من کل موجودات را در بادبان دارد» حشو قبیح است. مدرس و مصفا (همو، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۱۴؛ همو، ۱۳۳۶: ۶۶) نیز ابیات را با چهار تغییر ضبط کرده‌اند: ۱. در بیت نخست «پس من» آورده‌اند که به کل مردود و حاصل بیدقتی است؛ یعنی هم نسخهٔ شعر آن را پشتیبانی نمیکنند و هم برای رساندن معنا مناسب نیست؛ ۲. مدرس به تبعیت از مصفا و به تصریح نسخه‌بدهای خودش «بادبان» را به «باردان» تصحیح قیاسی کرده است. این ضبط مناسبتر به نظر میرسد. زیرا لغت‌نامه نیز همین بیت را از فرهنگ سروری مطابق ضبط مدرس با باردان و البته به اسم سنایی نقل کرده و معنای این واژه را در آن مانند بیشتر شاهدهایش «حوال» دانسته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «باردان»); ۳. همچنین «زاد» را که در سومین بیت نقل‌شده نمیتواند معنای «گنجایش» را منتقل کند به «راه» تصحیح قیاسی کرده‌اند و بهتر است؛ ۴. همین بیت را با «ره چو دریای عمان دارد» به پایان رسانده است که به نظر تصحیح ذوقی و نالازمی میرسد. زیرا «راه دریای عمان» که برزگر آورده و برایش نسخه‌بدلی نیاورده است (ضبط تنها نسخهٔ شعر بوده) میتواند معنای «شیوه و سان دریای عمان» یا «راهی همانند/به‌اندازهٔ دریای عمان» را برساند و نیازی به تغییرش نیست. بیت ۲۳ نیز بیمعنی است (سنایی، ۱۴۰۱، ۸۴/۱):

حواشی و عای فکر بر دردی چو اندیشد
 از او بس خون برون آید به رای کز دهان دارد
 مدرس (همو، ۱۳۸۸: ۱۱۴) یا نسخه‌های مرجعش بیت را تقریباً بازسازی کرده‌اند و نیمی از مصراع دوم را مستقل از شکل نسخه بازسوده‌اند تا معنادار شود -اگرچه با اطناب و کثرت تکرار «خون»:
 حواشی و عاء فکر خون پرورد خواهد شد
 از او بس خون برون آید کز او پرخون دهان دارد
 بیت ۲۹ نیز به ۲۸ ارتباطی ندارد و هر دو نامفهوم‌اند (همو، ۱۴۰۱: ۸۴/۱):
 چنان شادم ز عشق او که می جان را برافشانم
 چه باشد آن که از عشق خردور شادمان دارد؟
 چگونه باشدی ار هیچ من میتانمی گفتن
 که هست از عشق او چونان که چونان را چنان دارد

مدرس (همو: ۱۳۸۸: ۱۱۵) پایان بیت دوم را نیز به «خرد می جانفشان دارد» تصحیح قیاسی کرده است تا تکرار قافیه نباشد، اما تکرار قافیه نبوده و میشود آن را «شادمان دارد» خواند به معنی «ما را شاد میکند».

سبک محتوایی

در بیان تفاوت محتوای این غزل با زندگی‌نامه و محتوای اشعار سنایی، تنها اشاره‌ای به این نکته کافی است که سنایی، در آغاز شاعری خود و البته تا پایان، ستایشگر شاهان بوده و سپس در میانهٔ دوران سرایندگی‌اش به عرفان روی آورده و از شاعر نه‌چندان موفق درباری به شاعر دین تبدیل شده است (دبروین، ۱۳۸۸: ۷۴۹). محتوای قصاید عرفانی‌اش نیز عبادانه و زاهدانه و غزلهای عرفانی‌اش متشرعانه، عاشقانه و قلندروار بوده است (زرقانی، ۱۳۸۱: ۲۱۵-۲۱۸). اما سرایندهٔ قصیدهٔ مورد بحث ما بیان میکند که «نخستین شعر من این» قصیدهٔ عرفانی است. همچنین برخلاف سنایی، مفاخره‌اش به سخنوری و مقامات عرفانی رنگ لاف و خودبزرگ‌بینی دارد و سخنش

وحدت وجودی است؛ حال آنکه مُبدع نظریه وحدت وجود، ابن عربی، در قرن هفتم ظهور کرده است - اگرچه پیش از او نیز عرفان خراسان از رگه‌های چنان مضامینی خالی نبوده است (سنایی، ۱۴۰۱: ۸۵؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۱۶):

ندارم باک از آن هرگز که دارم انگبین بر خوان
 کجا کس انگبین دارد مگس بر گرد خوان دارد
 چو من شست اندر آویزم به دریا اندر آویزد
 به کام و حلق آن ماهی که بر پشت این جهان دارد
 چو شست اندر کشم لابد همه عالم شود ویران
 همی بانگ و فغان خیزد هر آنکو خانمان دارد
 ز دریای محیط عقل جیحون معانی را
 سوی کشتی روحانی زبان من روان دارد

علت انتساب این قصیده به سنایی

عرفانی بودن هر شعری کافی است تا کاتب کم‌سواد و بی‌امانت برای افزودن بر حجم دستنوشته‌اش آن را به سنایی، عطار، مولوی یا ابوسعید نسبت دهد. مدرس رضوی، نیز کوشیده است «نسخه جامع» اشعار سنایی را به دست دهد، نه اینکه مانع ورود اشعار دیگران به دیوان سنایی شود. برای همین، چنان که در پیشینه تحقیق مشاهده شد، گاهی در پانوشت ذکر کرده است که آنچه نقل میکند در دیوانهای دیگری نیز آمده یا اصلاً از آن سراینده‌ای دیگر است. مصححان بعدی نیز تحت تأثیر او بوده‌اند و البته تلاشهایی برای تصفیه دیوان از سروده‌های منسوب انجام داده‌اند که به‌هیچ‌وجه کافی نبوده است: مصفا فهرست کوتاهی از اشعار مجعول و منسوب به دست داده و برزگر خالقی نسخ قدیم و متأخر را جمع کرده بود، اما نسخه‌هایش را چنان که باید بررسی نکرده بود تا متوجه جعلی بودن تاریخ تنها نسخه حاوی این قصیده شود و آن را دومین نسخه کهن تصحیح خود پنداشته بود. در اینجا دلایل موجه دیگری نیز در کارند که به اختصار بدانها اشاره خواهد شد.

قصیده دیگری نیز به سنایی منسوب است که وزن (چهار مفاعیلین: بحر هزج مثنی‌س سالم) و قافیه‌ها و ردیفش با قصیده مورد بحث یکی است (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۷۰):

بباید عشق را جانی که سودای جهان دارد
 بر وصلت کسی ماند که دل در بادبان دارد

البته این قصیده نیز تنها در همان نسخه آمده است (همو، ۱۴۰۱: ۱۱۹۷/۲) و میبینید که سالم و قوی هم نیست و شایسته است در مجال دیگری به آن پرداخته شود. همین‌طور وجود ابیاتی با مضامین سنایی در شعر ممکن است موجب انتساب اشتباه گردد؛ به‌ویژه این بیت (سنایی، ۱۴۰۱: ۸۴؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۱۴):

خرد را آفریند او، کجا اندر خرد گنجد؟
 بنان در خط نکتجد گرچه خط نقش از بنان دارد

تمثیل مصراع دوم برگرفته از این بیت مشهور سنایی است (همو، ۱۴۰۱: ۴۲۲؛ همو، ۱۳۸۸: ۷۰۷):

ز یزدان دان نه از ارکان، که کوتاه‌دیدگی باشد
 که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی

نکته دیگر آن است که شاعر مقلد سنایی بوده و میتوان ملاحظه کرد که عموم واژه‌هایی که به کار برده است برگرفته از دیوان سنایی است. اگرچه محتوای این قصیده تفاوت‌های آشکاری با محتوای قصاید عرفانی سنایی داشت، زبان آن - اگر از سستیهای نحوی‌اش بگذریم - تقریباً با زبان سنایی قرن ششمی یکی است. شاید این بیت بیشترین فاصله را با زبان سنایی داشته باشد (سنایی، ۱۴۰۱: ۸۳؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۱۳):

هیولانی عدم‌هایم نبیند عقل کلم زین وگرچه کلّ افعال وفاها را عیان دارد

از واژه‌های این بیت، تنها «عدم‌ها» را در اشعار سنایی نمیبینیم و حتی «وفاها» نیز باز در شعر او آمده و لابد الهی آن را از این بیت غزل سنایی برگرفته است، چون در دیوان نمونه دیگری برایش نمیابیم (همو، ۱۴۰۱: ۶۶۲؛ همو، ۱۳۸۸: ۹۶۶):

چند از این بیخ وفاها سوختن؟! چند از این شاخ جفاها کاشتن!؟

این نکته جالب کودکانه هم هست که میگوید «نخستین شعر من این است» و درعین حال این معنا را بیان میکند تا خود را شاعری همچون سنایی و خاقانی جا بزند (همو، ۱۴۰۱: ۸۵):

هم‌اکنون بینی آن مرد خس نادان ناکس را برد او این معانیها که در بسته میان دارد
ندارم [باک] از او هرگز، که دارم انگبین بر خوان کجا دارد از آن باک از مگس بر گرد خوان دارد؟

یعنی بدون اینکه قبلاً شعری سروده باشد از سارق معانی اشعارش مینالد و او را «مرد خس نادان ناکس» میخواند! پیداست که خود او این معنی را از دیگران تقلید کرده است. همچنین میدانیم که سنایی، در مقام پیشوای شعر عرفانی، بسیار مورد تقلید قرار گرفته و پیرو او خاقانی نیز از دزدان سخن خویش بسیار بد گفته است (فحواوی سخن الهی به این گفته‌های او شبیه‌تر است). ابیاتی از باب نهم *حدیقه سنایی* نیز در «مثالب شعراء المدعین» است که برخی سخنانش را میتوان طعنه به دزدان اشعارش دانست که «گرد کرده بسی سخن‌ریزه» و (سنایی، ۱۳۲۹: ۶۸۳-۶۸۴):

من چراغ چگل شدم در گفت همه پروانه‌وار با من جفت
لاجرم در غم چراغ چگل همچو شمعند زرد و تافته‌دل

و البته میتوان نمونه‌هایی مانند یازده غزل و دیگر اشعار سنایی را نیز که عبدالواسع جبلی کاملاً از او سرقت کرده است و دیگر انواع سرقت چنین سرایندگانی از حکیم (نک: شریفی صحرایی و پورخالقی، ۱۳۹۰: ۸۵-۱۰۵) را در نظر داشت.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به یک قصیده منسوب به سنایی با مطلع «اگر ذاتی تواند بود کز هستی/استی توان دارد...» پرداخت که در هر سه تصحیح دیوان او وارد شده بود و حتی مدرس رضوی بر اساس آن «الهی» را نخستین تخلص سنایی دانسته بود.

در ادامه انتساب یک قصیده به سنایی با استناد به این دلیل نسخه‌شناسانه رد شد که قصیده تنها در یک نسخه کم‌اعتبار متأخر نقل شده که تاریخ نادرستش مصححان را فریب داده است و این نشانه‌های سبک‌شناسانه که:

- سنایی در هیچ سروده دیگری از تخلص «الهی» بهره نبرده است؛
- قصیده آکنده از تکرار قافیه و ایطای خفی و جلی است و این امر در دیوان سنایی و استادان قصیده‌سرای دیگر آن قرون نمونه‌ای ندارد؛
- این شعر آکنده از بیت‌های سست و بیمعنی است که با تصحیحات قیاسی متعدد مصححان دیوان نیز چنان که

باید اصلاح نشده‌اند و به نظر میرسد نتیجه ناپختگی سراینده‌شان باشند که قطعاً شاعری درجه‌چندم است. همین‌طور به این موضوع تازه پرداختیم که چرا کاتب و سپس مصححان انتساب چنین سروده معیوبی را به سنایی پذیرفته‌اند: کاتبان میکوشیده‌اند بر حجم دستنویس خود بیفزایند تا دستمزد بیشتری بگیرند و تلاش مدرس رضوی نیز در جهت فراهم آوردن نسخه جامع اشعار سنایی بوده است، نه نسخه مانع از اشعار دیگران. مصححان بعدی نیز کوشیده‌اند اشعار منسوب و مجعول را جدا کنند، اما بنا بر دلایلی که ذکر شد، در این راه توفیق کافی به دست نیاورده‌اند. اما وجود قصیده «نشاید عشق را جانی که سودای جهان دارد/بر وصلت کسی شاید که دل در بادبان دارد» در دیوان سنایی با همان وزن و قافیۀ قصیده منسوب مورد بحث ما در اشتباه کاتبان و مصححان مؤثر بوده است. همین‌طور وجود ابیات و مضامین مشابه و تقلید سراینده از زبان و به‌ویژه بهره‌گیری از واژه‌های سنایی سبب شده است مصححان و خوانندگان اشعار سنایی را فریب دهد و از دلایل متقن نادرستی انتساب این سروده به سنایی غافل سازد.

وجود این قبیل اشعار مشکوک در قوالب مختلف که اغلب پشتوانۀ نسخه‌شناسی قوی هم ندارند در دیوان سراینندگان مختلف از جمله سنایی ما را به لزوم توجه بیشتر به جداسازی اشعار اصلی از جعلی و منسوب رهنمون می‌شود، همین‌طور پرداختن جدیدتر به بخشی در تصحیح‌های بعدی دیوان سنایی که اشعار مجعول و منسوب به او و آنچه را به دیگران تعلق دارد از سروده‌های حکیم غزنه جدا سازد تا بر اساس سخنان خود او و با دیدی بهتر بتوان شخصیت حقیقی و منظومۀ فکری او را مطالعه کرد.

یزدان زکالوند*، رضا خبازها

مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل تلاش و مشارکت دو پژوهشگر آقای یزدان زکالوند و آقای دکتر رضا خبازها میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولین فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) بویژه استاد اندیشمند و متواضع جناب دکتر امید مجد اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسندۀ مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ābedi; Mahmoud and Abbas Begjānī. (1392 SH). "A qaṣīda attributed to Seyyed Hasan-e Ghaznavī in the Dīvān of Sanā'ī." *Āyeneh-ye Mirāth*, vol. 11, pp. 131-132.

- Bukhārā'ī, 'Am'aq al-Dīn Shahāb. (1389 SH). *Dīvān-e Ash'ār*, edited by Alireza Sha'bānlou. Tehran: Āzma.
- Dawlatshāh Samarqandī, Amir 'Alā' al-Dawleh Bakhtīshāh al-Ghāzī. (1338 SH). *Tazkerat al-Sho'arā'*, edited by Mohammad Ramazani. Tehran: Khāvar-e Kalāleh.
- Debruyne, Johannes Peter Thomas. (1388 SH). "Sanā'ī-ye Ghaznavī," translated by Fariba Shokouhi, in *Encyclopedia of Persian Language and Literature*. vol. 8. under the supervision of Esmā'īl Sa'ādat. Tehran: Academy of Persian Language and Literature. Pp. 748-752.
- Dehkhodā, Ali-Akbar. (1377 SH). *Loghat-nāmeḥ-ye Dehkhodā*, vol. 13. Tehran: University of Tehran; Organization for Compilation and Publication of the Dehkhodā Dictionary.
- Hātefi, Gholām-Reza. (1387 SH). "Defects of rhyme in mulaghghabeh and gheyr-e mulaghghabeh." *Roshd-e Amoozesh-e Zabān va Adab-e Fārsī*, vol. 21, serial no. 86, pp. 20-23.
- Jalali Pandari, Yadollah (1381 SH). "Narrative inaccuracies in the poems of Sanā'ī". *Journal of the Faculty of Humanities and Literature*, University of Tabriz, No. 54, p. 134.
- Kāshifī-ye Vā'eẓ, Kamāl al-Dīn Hossein Sabzevāri. (1369 SH). *Badāye' al-Afkār fī Ṣanāye' al-Ash'ār*, abridged and edited by Jalal al-Din Kazazi. Tehran: Markaz Publishing.
- Khayyāmpour, Abdolrasoul (1368 SH). *Farhang-e Sokhanvarān*. Tehran: Talāyeh Publishing.
- Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, Khājeh Abū Ja'far Mohammad ibn Mohammad ibn Hasan. (1363 SH). *Mi'yār al-Ash'ār dar 'Elm-e 'Arūẓ va Qawāfī*, edited by Jamshid Moẓāheri and Mohammad Feshāraki. Isfahan: Sohravardi.
- Rashidi, Hossein ibn Ahmadyār-e Tabrizi. (1367 SH). *Tarab-khāneh*, edited by Jalāl al-Dīn Homāyī. Tehran: Homā Publishing.
- Sanā'ī-ye Ghaznavī. *Dīvān-e Sanā'ī*. Manuscript no. 5468, Malek National Library; copied in the 8rd century SH.
- _____ (1388 SH). *Dīvān-e Ash'ār*, edited by Mohammad-Taqi Modarres-e Razavi. Tehran: Sanā'ī Publishing.
- _____ (1401 SH). *Dīvān-e Ash'ār*, edited by Mohammad-Reza Barzegar Khāleqi. Tehran: Zavvār.
- _____ (1386 SH). *Ghazal-hā-ye Ḥakīm Sanā'ī*, edited by Yadollah Pandari and Jalali. Tehran: Scientific and Cultural Publishing.
- _____ (1329 SH). *Ḥadīqat al-Ḥaqīqa wa Sharī'at al-Ṭarīqa*, edited by Mohammad-Taqi Modarres-e Razavi. Tehran: Sepehr Printing House.
- _____ (1336 SH). *Dīvān-e Ash'ār*, edited by Mazāher Mosaffā. Tehran: Amir Kabir.

_____ (1364 SH). *Gozīdeh-ye Ash'ār-e Sanā'ī*, compiled by Barat Zanjani. Tehran: Amir Kabir.

Shamīsā, Sirous. (1383 SH). *Qāfiya va 'Arūz*. Tehran: Payām-e Nūr Publishing, 15th ed.

Sharifi-Şahī, Mohsen; Pourkhāleqi-ye Chatrudi, Mahdokht. (1390 SH). "Literary plagiarism of 'Abd al-Wāse' Jabalī from the Dīvān of Sanā'ī." *Journal of Literary Studies*, Year 55, Serial No. 114, Issue 5, pp. 85-106.

Zarqānī, Sayyed Mahdi. (1381 SH). *Darbāreh-ye Manzūmeh-ye Fekrī-ye Sanā'ī-ye Ghaznavī, with gozīdeh-ye Zolf-e 'Ālam*. Tehran: Rūzgār Publishing.

فهرست منابع فارسی

جلالی پندری، یدالله (۱۳۸۱)، *روایت‌های نادرست از اشعار سنایی*، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، دوره ۴۵، شماره ۱۸۵.

خیامپور، عبدالرسول (۱۳۶۸)، *فرهنگ سخنوران*، تهران: نشر طلایه.

دبروین، یوهانس توماس، پیتر (۱۳۸۸)، «سنایی غزنوی»، ترجمه فریبا شکوهی، در *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، به سرپرستی اسماعیل سعادت، جلد ۳، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، ۱۶ جلد، تهران: دانشگاه تهران؛ سازمان لغت‌نامه دهخدا.

زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۱)، *زلف عالم‌سوز: درباره منظومه فکری سنایی غزنوی*، همراه گزیده اشعارش، تهران: نشر روزگار.

رشیدی تبریزی، یار احمد بن حسین (۱۳۶۷)، *طربخانه*، به تصحیح جلال‌الدین همایی، مؤسسه نشر هما.

سمرقندی، امیر دولت‌شاه بن علاءالدوله بختیشاه الغازی (۱۳۳۸)، *تذکره الشعراء*، به تصحیح محمد رمضان تهران: کلاله خاور.

سنایی غزنوی، دستنویس دیوان سنایی، کتابخانه ملی ملک، شماره ۵۴۶۸، کتابت قرن ۸ هجری قمری.

_____ (۱۳۲۹)، *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: چاپخانه سپهر.

_____ (۱۳۳۶)، *دیوان اشعار*، به تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۶۴)، *برگزیده اشعار سنایی*، به کوشش برات زنجانی، تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۸۶)، *غزل‌های حکیم سنایی*، به تصحیح یدالله جلالی پندری، تهران: علمی و فرهنگی.

_____ (۱۳۸۸)، *دیوان اشعار*، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: سنایی.

_____ (۱۴۰۱) *دیوان اشعار*، به تصحیح محمدرضا برزگر خالقی، تهران: زوار.

شریفی صحی، محسن و مهدخت پورخالقی چترودی (۱۳۹۰)، «سرق‌ت ادبی عبدالواسع جبلی از دیوان سنایی»، در *جستارهای ادبی*، سال ۴۴، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۷۵، صص ۸۵-۱۰۶.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، *عروض و قافیه*، تهران: پیام نور، چ ۱۴.

عابدی، محمود و عباس بگجانی (۱۳۹۲)، «قصیده‌ای از سید حسن غزنوی در دیوان سنایی»، در *آینه میراث*، دوره ۱۱، صص ۱۶۱-۱۸۹.

عمق بخارایی، شهاب‌الدین (۱۳۸۹)، *دیوان اشعار*، به تصحیح علیرضا شعبانلو، تهران: آزما، ۱۳۸۸.

نصیرالدین طوسی، خواجه ابوجعفر محمد بن محمد بن حسن (۱۳۶۳)، *معیار الاشعار در علم عروض و قوافی*، به تصحیح محمد فشارکی و جمشید مظاهری، اصفهان: سهروردی اصفهان.
واعظ کاشفی سبزواری، کمال‌الدین حسین (۱۳۶۹)، *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*، ویراسته و گزارده میرجلال‌الدین کزازی، تهران: مرکز.
هاتفی، غلامرضا (تابستان ۱۳۸۷)، «عیوب ملقبه و غیرملقبه در قافیه»، در *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، دوره ۲۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۸۶، صص ۲۰-۲۳

معرفی نویسندگان

یزدان زکالوند: دانشجوی کارشناسی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: yazdan.zekalvand@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

(ORCID: 0009-0006-0502-2948)

رضا خبازها: دانش‌آموخته دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

(Email: Khabazharez@gmail.com)

(ORCID: 0009-0006-0502-2948)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Yazdan Zekalvand: Bachelor's student, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: yazdan.zekalvand@ut.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0009-0006-0502-2948)

Reza Khabazha: Ph.D student of the Department of Persian Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

(Email: Khabazharez@gmail.com)

(ORCID: 0009-0006-0502-2948)